

بسم الله الرحمن الرحيم

نگرشی نوین به تفسیر موضوعی قرآن کریم:

بررسی طرح ها و راهکارهایی نوین برای قرآن پژوهی و تفسیرنگاری

حسین مّتقی

hosseinmottaghi@yahoo.com

به نظر می رسد تنوع و تکثر علوم گوناگون بشری و توسعه شاخه ها و جزئیات آن، که فرایند تحلیل ها و پردازش های متنوع از علوم، با بهره گیری از ابزار آلات نوین و پیشرفته جهانی و گسترش و انتشار (اطلاع رسانی) سریع دستاوردهای نوین علمی در مجامع جهانی از طریق ابر رسانه هایی همانند اینترنت و غیره می باشد؛ پیام آور این واقعیت اجتناب ناپذیر و ضرورت انکار ناپذیر است که پاسداران و حاکمان معنوی جهان اسلام، یعنی مفسران، دانشمندان و پژوهشگران موضوعات متنوع و محققان مطالعات اسلامی نیز باید با تجدید نظر در آهنگ و نوع نگرش ها، روش ها، ابزارها، رسانه ها و نیز راهکارهای ارائه محصولات و فرآورده های علمی و فکری خویش همانند آثار تألیفی، نسبت به موضوعات گوناگون اسلامی، همچون تفسیر قرآن کریم را، مطابق و هماهنگ با گسترش علوم و روش های متنوع طرح و ارائه مباحث در مجامع علمی امروزی و به اصطلاح به هنگام سازند.

به عنوان مثال يك پزشك، در سال های نه چندان دور، این توانایی را داشت که در همه زمینه های پزشکی و بیماریهای مطرح آن روز انسان، نظر داده و به طبابت بپردازد، لیکن امروزه با گسترش علم پزشکی و تفکیک و تخصصی شدن فروع آن (برای يك عضو بدن) مانند چشم پزشکی، که حتی می بینیم با ایجاد رشته های فوق تخصصی چشم پزشکی، باز هم خود بیماریهای چشم به موضوعات جزئی تر و

تخصصی تر تقسیم می گردند...؛ حال با این رویکردهای جهانی نسبت به موضوعات بشری و زمینی، آیا فقدان چنین نگرشی در موضوعات تخصصی و حیاتی و الهی همانند قرآن کریم، در محافل علمی و دینی ما همچون حوزه های علمیه، نقطه ضعف بزرگی نیست؟ آیا اصولاً پرداختن به مباحثی همانند اطلاع رسانی و ارائه راهکارها، ابزارها، قالب ها و روش های مطرح در جهان امروز، که حقیقتاً یکی از علوم آلی، جدی بنیادین و کاربردی در ارائه هر يك از دانش های امروزی بشری است، بر عهده چه نهاد و تشکیلاتی از زیر مجموعه ها، گذارده شده است؟ ممکن است کسانی در جواب گویند، فلان نهاد و تشکیلات، مسؤلیت پیگیری مباحث اطلاع رسانی و ... را در حوزه های دینی عهده دار است، لیکن اگر اندکی با تأمل و منصفانه نگریسته شود، مبحث مورد نظر فراتر و ورای این فعالیتهاست و بلکه نگرش کاربردی تر مباحث مطروحه، در گستره علوم اسلامی است، که علی رغم مطالعات نسبتاً گسترده ای که در این مباحث صورت گرفته، متأسفانه بیشترین آن مباحث در مراحل تئوری و نظریه متوقف شده، و مباحث کاربردی بهره گیری از آن کمتر مشاهده می گردد؛ که جا دارد کسانی از محققان علوم اسلامی، وجود خویش و فعالیت های علمی خود را در زمینه های گسترده اطلاع رسانی، راهکارها و روش های مطرح جهانی، متمرکز سازند و البته طبیعی است که این مهم جز با پیگیری مستمر، مطالعات گسترده کارشناسانه دقیق، پژوهش ها و تحقیقات فراگیر منطقه ای و بین المللی مجدانه و مصرانه! خصوصاً بهره گیری از تجربیات دیگر ملل وادیان و نیز ایجاد بسترهای مناسب برای طرح مباحث علمی مطروحه، همانند همایش ها، به سرمنزل مقصود نخواهد رسید.

ارائه راهکارهای عملی و کاربردی در حوزه گسترده و متنوع علوم اسلامی، هر يك مقتضیات خاصی را می طلبد که طرح و پرداختن به همه آنها به یقین از توان

فردی خارج است و تشکیلاتی بسیار بزرگ با کارشناسان خبره را نیاز دارد تا با عقل جمعی خویش به ارائه راهکارهای مناسب عملی، راهبردی و کاربردی تر به رفع این نقیصه ها و ضعف ها در حوزه های دینی ما، پرداخته و سامان دهند.

برای اینکه در این نوشتار فقط به کلی گویی های معمول! دچار نشویم، با طرح يك پیشنهاد در حوزه قرآن پژوهی و تفسیر نگاری، به بررسی جزئی مقوله مطروحه می پردازیم، هر چند که طرح اولیه چنین اموری و بررسی زمینه های اجرایی آن، حقیقتاً محتاج مطالعات گسترده کارشناسانه مبتنی بر تجربیات علمی و دینی پژوهانه می باشد.

با توجه به دکتترین و آموزه های دینی ما مسلمانان، در جای خود بر همگان مبرهن است که قرآن کریم کتاب هدایت است (ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین) و نیز بشر به هر آنچه در سعادت دنیایی و اخروی وی تأثیرگذار یا تأثیر پذیر است و نیز هر آنچه که بشر بدان نیازمند است ( لا رطب و لا یابس إلا فی کتاب مبین) در آن کتاب مقدس در قالب هایی متنوع همانند داستان ها و ... مطرح گردیده است. حال با توجه به نیازهای متنوع زیستی، سیاسی، اقتصادی، روان شناختی، جامعه شناختی و به طور کلی انسان شناختی و یا به صورت جزئی تر، بررسی علمی جهان موجود پیرامون انسان، مانند ستارگان، سیارات، قوانین فیزیکی، طبیعی، بررسی گونه های خلق و پدیده ها در آسمان و زمین مانند ماه، شهاب سنگ ها و... یا زلزله و گیاهان و زندگی حیوانات و غیر آنها مانند فعل و انفعالات درونی انسان که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در تطور، تکوین و مراحل مختلف زندگی وی تأثیر می گذارد؛ بنابر این شایسته است به صورت جزئی تر و به تعبیری دقیق تر «تخصصی تر» و «علمی تر» به موضوعات مطرح شده در این کتاب آسمانی پرداخته شود، که به همان دلیل پیش گفته، متأسفانه تاکنون چنین

نگرشی جامع نسبت به آیات نورانی قرآن کریم صورت نگرفته است!

نهضت نگارش تفاسیر موضوعی قرآن کریم، با رویکردها، تحلیل‌ها و ارائه دیدگاه‌ها و نظریات تخصصی از سوی مفسران (به صورت فردی) یکی از مباحث نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر در حوزه‌های علمی میان علما و دانشمندان جهان اسلام به خصوص شیعه مورد توجه و عنایت ویژه‌ای قرار گرفته است و تا به امروز شاهد تصنیف و انتشار تفاسیر موضوعی چندی بوده‌ایم، که از آن دسته می‌توان به تفسیر ارزشمند و بدیع *تسنیم* تألیف ارزنده آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) اشاره نمود. لیکن تفسیر موضوعی قرآن کریم به صورت گروهی و تخصصی که در آن به عنوان مثال آیات مرتبط با کیهان‌شناسی و ستارگان از سوی متخصصان ستاره‌شناسی که آگاه به قوانین کشف شده و آشنا به مدارات و فعالیت و سیر و تکوین آنها می‌باشند، مورد نگرش موشکافانه با انگیزه تفسیر قرآن کریم یا تفسیر آیات مرتبط با دانش پیچیده پزشکی از سوی پزشکان متخصص و متعهد و یا غیر آن دو، هرگز صورت پذیرفته است. به نظر می‌رسد دوره تفسیر نگاری عمومی کل قرآن کریم و یا نگرش تفسیرگرایانه «فردی» از قرآن کریم، با توجه به حوزه بسیار گسترده شمول موضوعی آن کتاب آسمانی که «همسو با نیازهای بشری» و «همگام با مقتضیات زمان» است، با دقت نظرهای عمیق امروزی علمی حاکم بر پژوهش‌دهنده جهانی دیر هنگامی است به سر آمده و منقضی شده باشد و این واقعیتی است که هر چند به مذاق برخی از بزرگواران خوش نیاید! ولی باید باید با توجه به مقتضیات بشر امروز، این حقیقت را پذیرفت که ادامه و استمرار نوع و چگونگی «نگرش و برداشت» های تفسیری با هر مونتیک ثابت و لایتغیر پذیرفته شده دیروزی، با آهنگ نگرش‌ها به متون مقدس و کهن، حاکم بر جوامع کنونی، ناسازگار و چه بسا ناکارآمد باشد. مؤکداً لازم است اینجا تکرار کنیم که سخن در

«نفی مواد و الگوهای تفسیری قرآن کریم» و یا احیاناً مباحث مطروحه گذشتگان مانند شأن نزول در تفاسیر خویش از قرآن کریم نیست، همچنین سخن در تفسیر علمی قرآن کریم و مطابقت دادن قوانین کشف شده توسط تجربه بشر امروزی، مانند تفسیر طحطاوی یا دیدگاههای علم گرایانه از قرآن کریم، مانند نوع نگرش های شخصیت هایی مانند مرحوم بازرگان نیست، بلکه سخن در «روش ها و چگونگی برداشت و توانائی های مفسران» است. حال صرف نظر از عدم بهره گیری بهینه از حداقل امکانات و ابزار آلات نوین امروزی، مانند پردازش ها و پژوهش های متنوع و گسترده قرآنی که رایانه ها در اختیار يك مفسر قرار می دهند و به طور یقین می تواند وی را حتی در همان برداشت های نسبی از این کتاب آسمانی و نوع نگرش ها وی را کمک کار و راهبر باشد، و خود این مقوله در جای خویش موضوعی است که بدان پرداخته شده یا می شود؛ سخن در این نوشتار این است که این اثر آسمانی يك معجزه جاوید و همیشگی برای همه انسانها در همه مقاطع تاریخی و نیز متکفل هدایت بشر همراه با ارائه راهکارها و الگوهای لازم و سازنده برای همه نیازهای دنیایی و اخروی او و نیز هرآنچه که در زندگی دنیایی و اخروی او، از آغاز و انجام وی تأثیر گذار است، می باشد؛ بنابر این درك سخن الهی (با این پیش فرض که مورد خطاب قرآن کریم، انسان زمینی است) و نیز برداشت تفسیری دقیق مثلاً از حرکت ستارگان و سیارات که موضوع ستاره شناسی پیشرفته جهانی است و یا فعل و انفعالات درونی ظاهر انسان که موضوع علم پزشکی با همه فروع آن است، و هزاران نمونه دیگر حقیقتاً و انصافاً در این زمان از توان علمی يك مفسر قرآن کریم، خارج است و اینجا ذکر يك نکته هم ضروری است که موضوع این پیشنهاد، «تفسیر موضوعی گروهی قرآن کریم» نیست، هر چند که این در جای خویش نکته مفید و جالبی است، که در سال های اخیر کارهای نیز شده که از آن

جمله است تفسیر نمونه که تقریباً محصول يك کار گروهی است؛ بلکه نگارنده در سدد طرح «تفسیر موضوعی (تخصصی) قرآن کریم از سوی متخصصان همان فن و رشته است که در باره آن در این کتاب مقدس سخن به میان آمده است».

با این پیش فرض، آیات نورانی قرآن کریم که در سال های اخیر با بهره گیری از دستاوردهای نوین، تقریباً دسته بندی های موضوعی خوب و قابل قبولی از سوی پژوهشگران صاحب نام صورت گرفته است، موضوعات گسترده قرآن کریم به صورت موضوعات جزئی تر تفکیک و در اختیار متخصصان همان موضوع که سال ها عمر علمی خویش را در همان موضوع مصروف ساخته اند نهاده می شود تا به تحلیل دقیق علمی و موشکافانه آن آیات بپردازند، و نهایت اینکه محصول مطالعات و تحقیقات علمی آن متخصصان، از سوی کسان و دانشمندان علوم اسلامی دیگری که به نحله ها و روش ها و قالب های تفسیری قدما و متأخرین آشنا هستند، تنظیم و آن مواد دقیق علمی، در آن قالب های مورد قبول و پذیرفته شده تفسیری، ریخته و در يك دوره تفسیر ماندگار با عنوان *دانشنامه تفسیر موضوعی قرآن کریم*، مانند سایر دانشنامه ها که در قالب مدخل هایی موضوعی به صورت الفبایی ارائه می گردند، به تدریج نگاشته می شود، که با عملی شدن این طرح و پیشنهاد، هم فعالیت صاحبان تئوری بسیار سطحی و عوامانه «تعارض علم و دین»، که در سال های دور! در غرب شکل گرفته و بین روشنفکران و جریان های ناپایدار دین گریز یا لائیک داخلی نیز در سال های اخیر ناشیانه و بدون توجه به جدایی آموزه های دین اسلام و مسیحیت و تفاوت بنیادین و ماهوی طرز و نوع تلقی از قرآن کریم و اناجیل چهارگانه، تبعیت می گردد، کمرنگ شده و همچنین بسترها و زمینه های متنوع پژوهش های نسل های بعدی از متخصصان علوم گوناگون بشری و نگاه ژرفا و عمیق به آموزه های قرآنی را فراهم می سازد که به

طور قطع و یقین اگر چنین همت و نگرشی ایجاد و صورت پذیرد با عنایت الهی، این شاء الله شاهد افتتاح باب ها و افق های جدیدی در موضوعات مطروحه قرآن کریم خواهیم بود و در يك کلام قرآن کریم و مباحث نورانی و مترقی آن در متن و دستورکار علوم و دانش های بشری قرار خواهد گرفت و قرآن را از مهجوریتی که حتی خود آن نیز بر آن صحنه می گذارد تا حدودی خارج خواهد ساخت؛ با آگاهی هایی که از افراد و شخصیت های متخصص، متعهد و متدین در همه زمینه های علمی و تخصصی مطروحه در قرآن کریم، در دسترس و موجود است امید است متولیان امور قرآنی مؤسسات قرآن پژوهی دستگاه ها و جریانهای علاقمند و دردمند آشنا با این کلام آسمانی، در آینده ای نزدیک مقدمات لازم و بسترهای مناسب چنین پژوهشی مقدس را برای بهره گیری بهینه نسل های کنونی و آیندگان فراهم سازند؛ که البته طبیعی و قطعی است هر آنچه از فعالیت های قرآنی که بر اساس تقوی و با انگیزه های الهی صورت گیرد، خداوند متعال راهکارهای لازم را فراهم خواهد آورد.

ناگفته نماند که در این مقطع نکته بسیار جزئی تر دیگری مطرح است که متفرع بر مباحث مذکور است و آن اینکه جدا و سوای از موضوعات مشخص شده و دسته بندی شده پیش گفته، باید یکبار هم از سوی متخصصان فنون به صورت عمومی همه آیات نورانی قرآن کریم مورد بررسی دقیق قرار گیرد، چه بسا که با نگاه تیز بینانه در يك آیه یا داستانی قرآنی مثلاً يك مأمور امنیتی یا نظامی و انتظامی که متخصص در مباحث امنیتی یا نظامی است بتواند یکی از پیچیده ترین و دقیق ترین معادلات و قاعده های موجود یا حتی بالاتر از آن (جدید) را کشف نماید؛ یا يك فیزیکدان که به جریانات و قوانین فیزیکی آشناست، با نگاه دقیق خویش بتواند از مجموع آیات قرآنی و قرار دادن آیات در کنار یکدیگر یکی از قوانین فیزیکی

موجود یا جدید را استخراج نماید؛ چرا که بر اساس مثل معروف، بسیار دیده و شنیده شده، که آنچه يك متخصص در خشت می بیند، دیگری در آئینه نمی بیند!

بر این مبنا آیاتی با موضوعات فقهی که در حدود ۵۰۰ آیه می باشد و در اصطلاح به آیات الاحکام مشهورند و آثار متعددی هم در این زمینه نگاشته شده، از سوی يك فقیه یا گروه فقهاء با ابزارآلات و تخصصی که در زمینه اصول فقه و ... دارند، مورد تفسیر جزء جزء و موشکافانه قرار می گیرد و همه ابواب فقهی از مباحث طهارت تا دیات به صورت تفکیک شده و موضوع جزئی تر در این دانشنامه تفسیر موضوعی، در مدخل مربوطه گنجانده می شود. به همین ترتیب آیات مرتبط با کره زمین، آن مقدار که مرتبط با زمین شناسی است در اختیار يك زمین شناس یا گروه زمین شناسان؛ آیات مرتبط با حیوانات در اختیار جانورشناس یا گروه متخصصان مربوط، آیات مرتبط با کیهان و حرکات ستارگان در اختیار ستاره شناسان و منجمان؛ آیات اقتصادی در اختیار اقتصاد دانان متعهد و متخصص، و حتی مباحث بسیار ریز و جزئی مانند انگشت نگاری<sup>۱</sup> و سایر دیدگاه های نظامی و امنیتی در دست متخصصان بخش پژوهشی تشکیلات های نظامی و انتظامی نهاد و یا از سوی آن عزیزان استخراج می شود تا مواد، مباحث و آموزه های قرآنی را در «قالب» های پذیرفته شده جهانی همان علم، بریزند و برای بشریت تشنه معنویت عرضه نمایند؛ متأسفانه بارها دیده شده که در مجامع بین المللی و جهانی، بسیاری از دیدگاه های مترقی اسلامی مانند «روان شناسی و دیدگاه دین اسلام»<sup>۲</sup> فقط به آن جهت که در قالب های قابل فهم و تحت اصطلاحات و زبان مطروحه همان علم، مانند روانشناسی صورت پذیرفته، نتوانسته جایگاه واقعی جهانی و حقیقی مطالب، مفاهیم و «محتوای مترقی» خویش را پیدا نماید و نیز در سال های اخیر شاهد آن بودیم که کسانی از پژوهشگران علوم اسلامی برای اینکه بتوانند «محتوا» و «مواد»

متقن و مبرهن مانند علم کلام و فلسفه و حتی روان شناسی و دیدگاه های دین مبین اسلام را به جهانیان عرضه نمایند، مجبور می شدند یا می شوند که راهی غرب شده تا علاوه بر مواد مطروحه، زبان قابل فهم و «قالب» های پذیرفته شده هر يك از علوم را فرا گیرند، تا بتوانند با بهره گیری از زبان خودشان و در قالب های قابل درك خود آنان، مفاهیم نورانی و مترقی اسلامی را به جهانیان عرضه نمایند.

۱. مباحثی مانند انگشت نگاری حقیقتاً از زیباترین و نمونه هایی بارز و روشن از مترقی بودن این هدیه آسمانی است که علی رغم گذشت ۱۴۱۵ سال، مباحثی دقیق مطابق با مقتضیات زمان و یا بسیار جزئی مانند انگشت نگاری، را مطرح ساخته است، ولی متأسفانه به جهت عدم پرداختن دقیق و عمیق و به روز و به هنگام نبودن قالب های طرح مباحث، و همچنین نبود کندوکاو پی وقفه و مستمر، همانند تفسیر موضوعی دقیق قرآن کریم مبتنی بر متخصصان علوم و فنون مطرح شده که می تواند بستری برای اعلام نظر و طرح دیدگاه های جدید گردد و یا به تعبیر دقیق تر کم کاری و اهمال پیشینیان و حتی امروزیان، شاهد هجران و کفران این نعمت و مائده بزرگ آسمانی هستیم و نیز باید باز شاهد مهجوریت قرآن کریم (... مهجوراً) باشیم؛ گویا تقدیر الهی بر این رقم خورده است که قرار نیست تمام گنج های پنهان این گنجینه عظیم الهی بیرون بیاید! و بشریت باید برای استخراج گوهرهای معارف آن گنج عظیم سال ها باید عاجزانه و ملتسانه و مجدانه تلاش کند؛ چرا که ناپرده رنج گنج میسر نمی شود...؛ از مرحوم علامه طباطبایی نقل است که فرمودند هر ۵ سال باید یکبار به تفسیر دقیق قرآن پرداخته شود؛ حال بزرگان و مفسران و حتی در شعاع کم رنگ تر متخصصان متعهد ما، چقدر به این مهم می پردازند؟ بماند. در اینجا یجاست با کلامی زیبا از حضرت امام خمینی (ره) یاد نموده، که موقعی فرمودند: «اگر نبود قرآن کریم، در معرفت الله الی الابد بسته بود». امید است همگان پیش از پیش با قرآن انس بگیریم و با الگو گرفتن از فرامین نورانی آن و در دستور کار قرار دادن آموزه های آن به سعادت ابدی و رستگاری همیشگی رهنمون گردیم.

۲. اینجا يك بحث کاربردی نسبتاً پیچیده ای مطرح است و آن اینکه برخی بر این باورند: هر آنچه از مباحثی که با بشر زمینی مرتبط است و ما امروزه از آن با عنوان «علوم انسانی» یاد می کنیم، مانند: روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد و ... چون از طرفی این علوم متکی بر نیازهای واقعی انسانند و از سوی دیگر نیازهای واقعی انسان را هم جز خداوند نمی داند؛ بنا بر این، همه علوم انسانی واقعی را باید از منشأهای مبتنی بر «وحی»، مانند قرآن کریم تلقی و دریافت کرد؛ و لذا در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر مشاهده گردید که از این علوم با عناوین: اقتصاد اسلامی، روان شناسی اسلامی، سیاست اسلامی و ... یاد می گردید؛ حال صرف نظر از این مجادلات که گاه خالی از برداشت ها و مباحث سیاسی نیز نیستند، اصولاً اصل و خود «علم» مثلاً اقتصاد را مقید به «اسلامی» و غیر آن کنیم شاید اندکی دور از واقعیت باشد، که البته جای طرح، نقض و ابرام آن یقیناً اینجا نیست و خود حدیث

---

دیگری است که در البته در محل خود بدان پرداخته شده و یا می شود؛ لیکن به نظر می رسد بهترین و متعادل ترین گزینه این باشد که بگوئیم در نفس الامر علمی به نام اقتصاد و ... وجود دارد، و اسلام هم به عنوان يك مكتب مرفقی و تعالی بخش دیدگاه اقتصادی و ... خویش را با پارامترهای و مؤلفه های مورد پذیرش خویش بیان می دارد؛ بر همین مبنا از به کار بردن «روان شناسی اسلامی» در متن خودداری کردیم.